

DOI: [10.30512/KQ.2023.19002.3514](https://doi.org/10.30512/KQ.2023.19002.3514)

کاربردشناسی اصطلاح «جمع قرآن» در روایات سده نخست هجری*

عصمت کاظمی^۱

مرتضی ابروایی نجفی^۲

بی بی زینب حسینی^۳

علیه رضاداد^۴

چکیده

شناخت مفهوم دقیق و علمی اصطلاح «جمع قرآن» در سده نخست هجری، یکی از موضوعاتی است که با وجود گستردگی مطالعات تاریخ قرآن، همچنان نیازمند واکاوی و بررسی است. این اصطلاح در یک بازه زمانی پس از رحلت رسول اکرم (ص) برای اقدامی درباره قرآن کریم، توسط امام علی (ع) و ابوبکر و عمر به کار رفته است. بی شک، اقدام ایشان در جمع قرآن کریم، یکسان نبوده و مسأله تفاوت این دو مصحف تا قرن پنجم هجری، همچنان محلّ منازعات کلامی و مذهبی بین شیعه و اهل سنت بوده است. شناسائی دقیق مفهوم جمع قرآن در سده نخست هجری در متون حدیثی، راهگشا و تعیین کننده مسیر صحیح برای مطالعات تاریخ قرآن است. در این پژوهش تلاش می شود با روش کاربردشناسی که روشی علمی و اطمینان آور در تعیین مدلول واژگان است، مدلول اصطلاح جمع قرآن در سده نخست هجری تبیین گردد. مؤلفه های کاربردشناسی به ویژه، شخصیت عمر بن خطاب و امام علی (ع)، نشانگر تفاوت نگرش ایشان درباره تجانس وحی با سنت نبوی یا عدم تجانس آن است. این تفاوت در نگرش، در نهایت، به تفاوت در ماهیت جمعی که از قرآن صورت گرفته، منجر شده است.

واژگان کلیدی: جمع قرآن، تجانس، کاربردشناسی، تجرید القرآن، حجیت سنت نبوی.

* تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳ (مقاله پژوهشی)

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد/ kazemi1400@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد/ iravani@um.ac.ir

۳. دانشیار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران: ایران (نویسنده مسئول)/ z.hosseini@cfu.ac.ir

۴. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان/ a.rezadad@cfu.ac.ir

**مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

۱- بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین موضوعات تاریخ قرآن کریم، که تاکنون درباره آن پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته، اصطلاح‌شناسی جمع قرآن کریم است. این اصطلاح، کلیدی‌ترین و ابتدائی‌ترین اصطلاح در موضوع جمع و تاریخ قرآن کریم، به شمار می‌رود. بررسی مفهوم دقیق اصطلاح «جمع قرآن»، از آن جهت، دارای اهمیت است که سیر مطالعات تاریخ قرآن و اقداماتی که درباره قرآن در سده‌های بعد رخ داده است، به شناخت دقیق مفهوم این اصطلاح بستگی دارد.

گروهی بر این باورند که قرآن، در زمان پیامبر اکرم (ص) به صورت «ما بین الدفتین» جمع شده است (علی صغیر، ۱۴۲۰، ص ۸۱).^۱ گروهی دیگر، تاریخ این جمع را با استناد به روایاتی که اصطلاح «جمع قرآن» در آن به کار رفته؛ به دوره‌های بعد و زمان خلافت «ابوبکر» (بخاری، ۱۹۰۷، ج ۹، ص ۹/ متقی هندی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۴۱)، «عمر» (سیوطی، ۱۹۵۲، ج ۱، ص ۱۵۷)^۲، «عثمان» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ص ۳۷/ میر محمدی زرنندی، ۱۴۲۰، ص ۱۲۷/ زنجانی، ۱۳۴۱، صص ۸۷-۸۰) و حتی «حجاج بن یوسف ثقفی» نسبت داده‌اند. (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۱).

اصطلاح «جمع قرآن» در معانی مختلف تألیف، حفظ، قرائت، کتابت، رفع اختلاف قراءات، جمع سور و نظم قرآن (رامیار، ۱۳۸۷، ص ۲۱۲)، تجرید قرآن (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۳۰/ سجستانی، ۲۰۰۷، ص ۵۹) و ... به کار رفته است. برای فهم صحیح از اصطلاح «جمع قرآن» در روایات سده نخست هجری، لازم است از روش‌های علمی و اطمینان‌آور نظیر کاربردشناسی بهره برد. از این رو، این پژوهش به کاربردشناسی اصطلاح «جمع قرآن» در روایاتی که به‌طور عمده به امام علی (ع) و خلیفه اول و دوم، نسبت داده شده است، می‌پردازد.

درباره پیشینه این پژوهش، باید گفت؛ معمولاً در تمامی متون تاریخ قرآن، همچون تاریخ قرآن محمود رامیار، محمد هادی معرفت و ...؛ به جهت اهمیت بالای مسأله جمع قرآن، تلاش شده به این اصطلاح پرداخته شود. همچنین مقالات فراوانی، مانند «معانی جمع قرآن» از محمد علی رضائی و «نگاهی نو به جمع قرآن» از علی-اصغر ناصحیان و «الذکر المحفوظ قرائة جدیدة فی تاریخ جمع القرآن» از سید علی شهرستانی، در این زمینه نگاشته شده است.

ولی به دلیل شرایط پیچیده سیاسی-دینی قرن نخست هجری و تحریف بسیاری از حقائق تاریخی سده نخست هجری و نیز به دلیل نقص منابع متقن، شناخت صحیح بافت موقعیتی و شرایط زمانی گویندگان، به سادگی میسر نیست. در این پژوهش، تلاش شده است برای نخستین بار، با شناسایی نقش عمر بن خطاب در جریان‌های فکری و دینی سده نخست هجری و همچنین، روابط معنایی «اصطلاح جمع قرآن» با اصطلاحات دیگر، مدلول اصطلاح جمع قرآن در سده نخست هجری تبیین گردد.

۱. محمد حسین صغیر از قرآن پژوهان معاصر، تصریح می‌کند کاوش علمی بیانگر این واقعیت است که همه قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته و گردآوری شده است و ابن حجر نیز همین نظریه را برگزیده است.

۲. سیوطی آورده است: «وَأَخْرَجَ ابْنُ أَبِي دَاوُدَ مِنْ طَرِيقِ الْحَسَنِ أَنَّ عُمَرَ سَأَلَ عَنْ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، فَقِيلَ: كَانَتْ مَعَ فُلَانٍ فَقَتِلَ يَوْمَ الْيَمَامَةِ. فَقَالَ: إِنَّا لِلَّهِ! وَأَمَرَ بِجَمْعِ الْقُرْآنِ».

۲- روش پژوهش

کاربردشناسی^۱ یکی از روش‌های جامع و علمی، در تعیین مدلول واژگان و عبارات است. کاربردشناسی به بحث درباره تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد (صفوی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۲). کاربرد واژه بافت، در زبان‌شناسی در چند دهه اخیر گسترش پیدا کرده که در مطالعات اسلامی، معادل سیاق، قرینه و مقتضای حال است (صانعی پور، ۱۳۹۰، صص ۴۹-۶۰). وظیفه کاربردشناسی شناخت معنایی است که گوینده یا نویسنده آن را منتقل و شنونده یا خواننده متن آن را برداشت می‌کند. کاربردشناسان معانی مورد نظر افراد، تصورات، مقاصد و کنش‌های آنان را در زمان گفتگو بررسی می‌کنند. به عبارت دیگر، «کاربردشناسی، مطالعه ارتباط میان صورت‌های زبانی و کاربران آنهاست و تنها این علم است که به نقش انسان در تحلیل‌های خود می‌پردازد» (یول، ۱۳۸۳، ص ۱۲).

برای فهم صحیح و دقیق مدلول اصطلاح «جمع قرآن»، لازم است، مؤلفه‌های کاربردشناسی در روایات جمع قرآن مورد بررسی قرار گیرد. کاربردشناسی مطالعه کاربرد زبان در ارتباطات، به ویژه روابط بین جملات، بافت‌ها و موقعیت‌های کاربرد آنهاست و شامل بررسی چگونگی وابستگی و کاربرد پاره گفتارها برای اطلاع در مورد جهان واقعی، چگونگی کاربرد و درک کنش‌های گفتاری توسط سخنگو و چگونگی تأثیرپذیری ساختار جملات از نوع رابطه بین گوینده و شنونده می‌شود (ریچارد، ۱۳۹۲، ۲۴/ یول، ۱۳۸۳، ص ۱۱/ آفاگل‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹). در واقع، بررسی و تحقیق در مورد این است که متن، زمینه یا موقعیت چگونه بر معنا اثر می‌گذارد و در مجموع به معنای مطالعه و تعبیر مقصود گوینده با استفاده از بافتی است که کلمات و جمله‌ها در آن به کار رفته‌اند. برای دریافت دقیق معنای یک جمله و متن به غیر از معنای ظاهری کلمات، مواردی همچون لحن صدا و حالت چهره، نوع روابط میان گویندگان، سن، جنسیت، موقعیت‌های اجتماعی، زمان و مکان و میزان اشتراکات فرهنگی طرف‌های گفتگو نقش زیادی دارد، که به این عوامل «بافت» گفته می‌شود (کوک، ۱۳۸۹، ص ۵۶). وقتی صحبت از بافت موقعیت می‌شود، تمام عناصر سازنده آن، از جمله مکان، زمان، هدف شرکت‌کنندگان یا اشخاص درگیر در تعامل، جایگاه و موقعیت اجتماعی و سیاسی شرکت‌کنندگان در گفتگو، منبع قدرت و شأن اجتماعی آنان، جایگاه و موقعیت گفتمان مورد بحث در مقابل گفتمان رقیب و... مورد نظر است تا تحلیل قابل دفاعی برای آشکارسازی معنا و پیام‌های نهفته حاصل شود (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲). در این قسمت برای تبیین صحیح مدلول اصطلاح «جمع قرآن» در روایات جمع قرآن توسط عمر و امام علی(ع)، از میان عوامل بافتی، چهار عامل زمان، گویندگان، مخاطبان و صحنه عمل مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیش از آنکه به کاربردشناسی اصطلاح جمع قرآن بپردازیم، نخست لازم است مفهوم این اصطلاح بیان گردد.

۳- مفهوم‌شناسی واژه «جمع»

در تبیین معنای اصطلاحی «جمع قرآن»، با توجه که این واژه در روایاتی که از سده سوم، باقی مانده و از رویکرد سده اول هجری حکایت می‌کند، به دلیل فاصله زمانی، تبیین دقیق و ریشه‌ای واژه «جمع» امری

1. pragmatics

اجتناب‌ناپذیر است. از روش‌های جدید ریشه‌شناسی، شناخت معنای محوری واژگان است. این امر با انتزاع معنای قدر مشترک از معانی مصداقی یک واژه در کاربردهای مختلفش قابل دستیابی است. همچنین مراجعه به اصل مضاعف واژه و یا مقارنه، می‌تواند معنای ریشه‌ای واژه را نشان دهد.

۳-۱- تفکیک معنای محوری از معانی مصداقی

واژه «جمع» مصدر از باب ثلاثی مجرد «جَمَعَ يَجْمَعُ جَمْعاً»، در معانی مصداقی متعددی به کار رفته است که عبارتند از:

۱. تعدادی از افراد؛ واژگان «مَجْمَع»، «الجَمَاعَة» و «المُجْتَمَع» و «أَجْمَعُ» بدین معناست (ازهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۹۹/زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۴۵۱).
۲. نوعی از نخل خرما که نام آن مشخص نیست (ابن اثیر، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۹۶). مثلاً اگر گفته شود، «جَمَعَ» در سرزمین فلانی زیاد شده است، یعنی در آنجا درختان خرما، از هسته بیرون می‌آیند (ازهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۰۰).
۳. بارداری. مثلاً در روایت آمده است: «الْمَرْأَةُ تَمُوتُ بِجَمْعٍ»؛ یعنی زن در دوره بارداری بمیرد، از آن جهت به بارداری، جمع اطلاق شده که زن با چیزی می‌میرد که همراهش بوده است (جزری، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۹۶/قاضی عیاض، ۱۴۳۳، ج ۱، صص ۴۲۰-۴۱۹).
۴. به معنای مضاعف. مثلاً گفته می‌شود: «له سهم جَمْعٌ» یعنی دو سهم از اجر و پاداش برای اوست (ابن اثیر، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۹۶).
۵. در کنار هم قرارگرفتن اجناس مختلف مرغوب و نامرغوب مانند: خرما (ابن اثیر، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۹۶/زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۴۵۱).^۱
۶. در کنار هم آوردن و تألیف اجزاء جدا از هم^۲ و یا افزودن به مجموعه‌ای دیگر (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۸).
۷. پیوستن اشیاء و نزدیک کردن برخی به بعضی دیگر (زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۴۵۱).^۳ واژه «جمع» به معنای سپاه و گروه مک ۲ متحد و یکسان آمده است.
۸. منضم کردن، گردآوری اشیاء متفرق و پراکنده (جبل، ۲۰۱۰، صص ۳۳۵-۳۳۴).
۹. درو کردن گیاهان. گفته می‌شود: «حصده موسم جمع القطن». (عمر مختار، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۲۹۲)

۳-۲- کشف معنای محوری

دقت در معانی مصداقی نشان می‌دهد که معنای محوری واژه «جمع»، به هم‌پیوستن چیزهای متجانس و مشابه است (جبل، ۲۰۱۰، صص ۳۳۵-۳۳۴). مراجعه به اصل مضاعف واژه «جمع» که همان «جَمَّ»

۱. تَمْرٌ مُخْتَلِطٌ مِنْ أَنْوَاعٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَ لَيْسَ مَرْغُوبًا فِيهِ.

۲. تَأْلِيفُ الْمُتَفَرِّقِ.

۳. صَمَّ الشَّيْءَ بِتَقْرِيْبِ بَعْضِهِ مِنْ بَعْضٍ.

هست، و همچنین مقارنه بین واژه در زبان عربی با برخی زبان‌های سامی مانند: کلدانی و عبری ۴۲۵۱ نیز، مفهوم به هم پیوستگی، تراکم و دروکردن را برای واژه «جمع» نشان می‌دهد (کتاب مقدس، سفر ایوب ۲۴: ۳۹ و نک. Davidson, p. 29). در قرآن کریم نیز، بارها این واژه در حالت‌های مختلف اسمی و فعلی به معنای پیوستن امور متجانس، به کار رفته است (به عنوان نمونه نک. طه: ۶۴ / ۲۰). بنابراین، می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت، همان‌طور که زبان‌شناس و ریشه‌شناس معاصر محمدحسن جبل گفته است، معنای محوری واژه جمع، «منضم کردن چیزهای متجانس از طریق ملاقات، تراکم و یا روی هم قرارگرفتن است» (جبل، ۲۰۱۰، ص ۸۹۰).

دقت در معنای محوری واژه «جمع» از آن جهت دارای اهمیت است که وقتی تعبیر «جمع قرآن» در سده نخست هجری به کار می‌رود، حداقل با توجه به شرایط مصاحف در آن زمان سه احتمال متصور است: نخست: جمع آیات پراکنده قرآن در مجموعه‌ای واحد؛ دوم: جمع و جداکردن آیات قرآن از چیزهای دیگر که با آن آمیخته بوده و تهیه قرآن در مجموعه‌ای مستقل؛

سوم: جمع آیات قرآن با مجموعه متجانس با آن؛ یعنی روایات پیامبر اکرم (ص) که آن نیز از جنس وحی بوده و با قرآن دارای وحدت است.

۳-۳- معنای اصطلاحی جمع قرآن

واقعیت آن است که کاربردهای اصطلاح جمع قرآن در روایات، متنوع و دارای مدل‌های گوناگون است و بررسی متون تاریخی و حدیثی گزارش شده از سده نخست هجری نشان می‌دهد، اصطلاح جمع قرآن در مفاهیم مختلف و متنوعی کاربرد داشته است. لیکن مشکل آن جاست که قرآن‌پژوهان، اصطلاح «جمع قرآن» در روایات جمع را غالباً و بدون دقت، تنها بر انضمام اوراق پراکنده آیات و سوره و جمع آن در مجموعه واحد یا اصطلاحاً «ما بین الدفتین» حمل کرده‌اند (معرفت، ۱۴۲۸، ص ۸۴ / رامیار، ۱۳۸۷، ص ۳۳ / علی صغیر، ۱۴۲۰، ص ۵۶ / ابوسلیمان، ۲۰۰۰، ص ۳۳)؛ درحالی‌که قرائن نشان می‌دهد، این اصطلاح تنها به این معنا نبوده؛ بلکه دارای مفاهیم دیگری نیز بوده است که البته، شناسایی مدل‌های جمع باید با روش علمی، تبیین و تعیین گردد. در واقع، نکته اصلی در تفاوت معنای جمع در روایات مورد نظر به مسأله «تجانس» بر می‌گردد. به این معنا که کسانی که قرآن را جمع کرده‌اند؛ دو دیدگاه متفاوت در مورد تجانس بین قرآن و روایاتی که در حواشی مصاحف، نوشته می‌شده است، داشته‌اند.

۴- مروری بر محتوای روایات جمع قرآن

متون حدیثی مختلفی با تفاوت در عبارات، از جمع قرآن در زمان ابوبکر توسط عمر و امام علی (ع) که مربوط به یک مقطع زمانی یعنی سال یازدهم هجری است، وجود دارد. متونی که در مورد جمع قرآن توسط زید بن ثابت به پیشنهاد عمر بن خطاب در زمان خلافت ابوبکر است، اختلاف اندکی در الفاظ دارد؛ ولی گزارش‌هایی که از جمع امام علی (ع) وجود دارد، تفاوت‌های بیشتری، نسبت به گروه اول در حکایت در

کتاب حدیثی شیعه و اهل سنت دارد. در جوامع حدیثی اهل سنت، این جمع در واقع عذر امام علی (ع) بخاطر بیتوته در خانه و عدم بیعت با ابی بکر است، به شکلی که ابن سیرین بیان می‌کند امام علی (ع) نه سر از مخالفت، بلکه به دلیل مشغولیت به جمع قرآن، در بیعت با ابی بکر تأخیر نموده است. ولی در این پژوهش هدف تنها کاربردشناسی اصطلاح «جمع قرآن» در روایات جمع عمر بن خطاب و امام علی (ع) با تمرکز بر مؤلفه‌های کاربردشناسی است و به هیچ عنوان، این پژوهش در پی اعتبارسنجی این روایات نیست. تنها تأکید بر قدر مشترک روایات منقول از شیعه و اهل سنت و تلاش در جستجوی فهم مدلول «جمع قرآن» مد نظر است.

الف) نمونه اول

این روایت نخستین بار توسط ابو عبید قاسم بن سلام (م. ۲۲۴) نقل شده و پس از وی به صحیح بخاری (م. ۲۵۶)، سنن ترمذی (م. ۲۷۹)، مسند ابو یعلی (م. ۳۰۷) و المصاحف ابن ابی داود سجستانی (م. ۳۱۶) راه یافته است (ابو عبید، ۱۴۱۵، ص ۲۸۱/بخاری، ۱۹۰۷، ج ۵، ص ۲۱۱/ترمذی، ۱۹۷۵، ج ۱، ص ۲۸۳/ابو یعلی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۶/سجستانی، ۲۰۰۷، ص ۵۳). نقل‌های این روایت، تقریباً یکسان است و اختلاف اندکی در واژگان دارد. متن روایت بدین شرح است؛

زید بن ثابت انصاری نقل می‌کند: «ابوبکر در زمان جنگ یمامه کسی را به دنبال من فرستاد؛ درحالی‌که عمر در نزد وی بود. ابوبکر گفت: عمر به نزد من آمد و گفت: جنگ یمامه شدید شده است و من می‌ترسم قراء زیادی در این جنگ کشته شوند و قرآن از بین برود مگر این که تو قرآن را جمع کنی! ابوبکر گفت: به عمر گفتم: چگونه کاری را انجام دهم که پیامبر اکرم (ص) آن را انجام نداد؟! عمر گفت: قسم به خدا که این، کار خیری است. سپس همواره، عمر به من مراجعه می‌کرد تا این که خداوند قلب مرا برای این کار، گشود و من با عمر هم عقیده شدم. زید بن ثابت می‌گوید: عمر در نزد وی نشست و سخن نمی‌گفت: پس ابوبکر گفت: تو جوان عاقلی هستی و ما به تو اعتماد داریم! تو وحی را از رسول خدا (ص) دریافت کردی. پس به جستجوی قرآن باش و آن را جمع کن! پس گفتم: سوگند به خدا، اگر مرا به حمل کوه‌ها مکلف می‌کردی، از کار جمع قرآن که به من امر کردی آسانتر بود. گفتم: چگونه کاری را می‌خواهید انجام دهید که آن را پیامبر (ص) انجام نداد؟ ابوبکر گفت: قسم به خدا که این کار خیر است و من پیوسته به نزدش رفتم تا خداوند قلب من را برای کاری که قلب ابوبکر و عمر برای آن گشوده شده بود، گشاد. پس من اهتمام به جمع قرآن از بین رقاع، استخوان‌ها، جریده‌ها و قلوب مردم کردم تا این که دو آیه از سوره توبه را تنها در نزد ابوخریمه انصاری یافتیم، ... و این صحف در نزد ابوبکر و بعد عمر و سپس در نزد حفصه بود»^۱.

۱. «أُرْسِلَ إِلَى أَبِي بَكْرٍ مَقْتَلِ أَهْلِ الْيَمَامَةِ وَعِنْدَهُ عُمَرُ، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: إِنَّ عُمَرَ أَتَانِي فَقَالَ: إِنَّ الْقَتْلَ قَدْ اسْتَحَرَّ يَوْمَ الْيَمَامَةِ بِالنَّاسِ، وَإِنِّي أَخَشَى أَنْ يَسْتَحِرَّ الْقَتْلُ بِالْقُرَّاءِ فِي الْمَوَاطِنِ، فَيَذْهَبَ كَثِيرٌ مِنَ الْقُرَّانِ، إِلَّا أَنْ تَجْمَعُوهُ، وَإِنِّي لَأَرَى أَنْ تَجْمَعَ الْقُرَّانَ. قَالَ أَبُو

نکات مهم و قدر مشترک بین این روایت با سایر روایاتی که این موضوع را گزارش کرده است، عبارتند از:

۱. مغز طراح این پروژه عمر بن خطاب است، به همین جهت، اگرچه این جمع در زمان خلافت ابوبکر و با مدیریت اجرایی زید بن ثابت انجام شده است، لیکن، به دلیل نقش پررنگ عمر بن خطاب، صحیح تر آن است که این جمع به عمر بن خطاب نسبت داده شود و نه ابوبکر، چنانچه در برخی روایات معتبر و اصیل، اولین جمع کننده قرآن عمر بن خطاب دانسته شده است (سجستانی، ۲۰۰۷، ص ۶۰؛ متقی هندی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۵۷۸).

۲. این واقعه پس از جنگ یمامه رخ داده است، اندکی پس از رحلت رسول اکرم (ص) در سال یازدهم هجری.

۳. ابوبکر و زید بن ثابت در ابتدا اکراه و امتناع شدید از این جمع داشته‌اند، بنابراین، نیاز به اصرار و پیگیری عمر بن خطاب بوده است.

۴. مردم برای ثبت آیه در مصاحف، باید دو شاهد می‌آوردند.

۵. بخشی از قرآن هم از روی رقع‌های مختلف جمع شده است.

ب) نمونه دوم

روایت دوم، با متون مختلفی در بین شیعه و اهل سنت نقل شده است که بی‌شک نمی‌توان همه نصوص را هم‌زمان صحیح دانست چون در دلالت خود گاه به مرز تناقض نزدیک می‌گردد. در این میان روایتی انتخاب شد که بیشترین شمول را نسبت به قدر مشترک بین روایات در مورد جمع امام علی (ع) داراست. نخستین بار متن این روایت در کتاب «اسرار آل محمد» منسوب به سلیم بن قیس هلالی (م. ۷۶)، کتاب «الایضاح» منسوب به فضل بن شاذان ازدی (م. ۲۶۰) (فضل بن شاذان، ۱۳۶۳، ص ۲۱۰)؛ تفسیر علی بن ابراهیم قمی (قرن ۳)؛ کتاب «دلایل الامامة» از طبری (م. ۳۰۱) (طبری، ۱۴۱۳، ص ۳۱۰) و سپس در کتاب «معالم العلماء» از ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸) هم ذکر شده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۲۲۰).

بِكَرٍ: قُلْتُ لِعُمَرَ: كَيْفَ أَفْعَلُ شَيْئًا لَمْ يَفْعَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقَالَ عُمَرُ: هُوَ وَاللَّهِ خَيْرٌ. فَلَمْ يَزَلْ عُمَرُ يَرَاغِبُنِي فِيهِ حَتَّى شَرَحَ اللَّهُ لِدَلِّكَ صَدْرِي، وَرَأَيْتُ الَّذِي رَأَى عُمَرُ. قَالَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ: وَعُمَرُ عِنْدَهُ جَالِسٌ لَا يَتَكَلَّمُ. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: إِنَّكَ رَجُلٌ شَابٌ عَاقِلٌ وَلَا تَنْتَهْمُكَ، كُنْتُ تَكْتُمُ الْوَحْيَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَتَّبِعُ الْقُرْآنَ فَاجْمَعُهُ. فَوَاللَّهِ لَوْ كَلَّفَنِي نَقْلَ جَبَلٍ مِنَ الْجِبَالِ مَا كَانَتْ أَثْقَلَ عَلَيَّ مِمَّا أَمَرَنِي بِهِ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ. قُلْتُ: كَيْفَ تَفْعَلَانِ شَيْئًا لَمْ يَفْعَلَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: هُوَ وَاللَّهِ خَيْرٌ. فَلَمْ أَزَلْ أَرَا جَعُهُ حَتَّى شَرَحَ اللَّهُ صَدْرِي لِلَّذِي شَرَحَ اللَّهُ لَهُ صَدْرَ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، فَكُفْتُ فَتَتَّبِعْتُ الْقُرْآنَ أَجْمَعُهُ مِنَ الرَّقَاعِ وَالْأَكْتَابِ وَالْعُسْبِ وَصُدُورِ الرِّجَالِ، حَتَّى وَجَدْتُ مِنْ سُورَةِ التَّوْبَةِ آيَتَيْنِ مَعَ خُرَيْمَةَ الْأَنْصَارِيِّ، لَمْ أَحْدِهُمَا مَعَ أَحَدٍ غَيْرِهِ «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» إِلَى آخِرِهِمَا، وَكَانَتْ الصُّحُفُ الَّتِي جُمِعَ فِيهَا الْقُرْآنُ عِنْدَ أَبِي بَكْرٍ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ عِنْدَ عُمَرَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ عِنْدَ حَفْصَةَ بِنْتِ عُمَرَ» (بخاری، ۱۹۰۷، ج ۵، صص ۲۱۱-۲۰۸).

متن این روایت هم در کتب حدیثی شیعه و هم در کتب حدیثی اهل سنت به صورت‌های متفاوت گزارش شده است.

از امام علی (ع) نقل شده است که گفت: هنگامی که رسول خدا (ص) از دنیا رفت، سوگند خوردم که من رداء بر دوش نمی‌گیرم تا آن که قرآن را در بین دو لوح جمع کنم. همچنین، در اخبار اهل بیت (ع) آمده است که او سوگند خورد که عبا به دوش نمی‌گیرد، جز برای نماز تا این که قرآن را تألیف کرد و آن را جمع کرد. زمانی سپری شد و او قرآن را جمع کرد و آن را در لباسی قرار داد و ایشان در مسجد بودند و حضور وی را نادیده انگاشتند تا زمانی سپری شد. سپس [عمر بن الخطاب]، گفت: ابوالحسن برای چه کاری آمده است؟ او کتاب را در بین ایشان قرار داد و گفت: رسول خدا (ص) فرمود: من در بین شما دو چیز می‌گذارم که اگر به آن تمسک جویند هرگز گمراه نمی‌شوید. کتاب خدا و عترتم و این کتاب است و من عترت هستم. دومی برخاست و گفت: اگر در نزد تو قرآن است که در نزد ما مثل آن هست، پس ما به آن چه در مورد شما هست، نیازی نداریم. امام علی (ع) کتاب را بعد از آن که حجت را بر ایشان تمام کرد، برگرداند.^۱ این قرآن افزون بر قرآن مشتمل بر همه احکام فقهی مورد احتیاج مردم حتی دیه خراش و شامل تأویل، تفسیر و ناسخ و منسوخ بود.^۲

قدر مشترک بین روایاتی که از جمع قرآن توسط امام علی (ع) وجود دارد، به دلیل تفاوت نقل‌های شیعه و اهل سنت، کمی دشوارتر است ولی اهم آن از این قرار است:

۱. این جمع، توسط امام علی (ع)، به سفارش پیامبر خدا (ص) انجام شده است.
 ۲. این جمع، با فاصله اندکی بعد از رحلت رسول اکرم (ص)، کمی قبل یا بعد از جمع عمر بن خطاب، تحقق یافته است.
 ۳. این قرآن، به ابوبکر و عمر و مسلمانان ارائه شده است و ایشان، از پذیرش آن، امتناع ورزیده‌اند.
- ولی نکته اختلافی اصلی در بین شیعه و اهل سنت حجم این مصحف بوده است؛ طبق نصوص شیعه، این قرآن حجم بزرگی داشته و در دست قابل حمل نبوده است و برای حمل آن به لباس بزرگی مانند دشداشه نیاز بوده است، ولی روایات اهل سنت اولاً در مورد حجم این کتاب سخنی نگفته‌اند، لیکن در مقاطع بعدی تأکید کرده‌اند که امام علی (ع) صحیفه‌ای جز قرآن نداشته جز برگه‌ای که آن را در غلاف شمشیر قرار می‌داده است. در هر صورت در این پژوهش با توجه به واژه ازار، دشاشه و گزارش‌هایی که در جنگ صفین از حجم

۱. عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: «لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ أَقْسَمْتُ لَوْ حَلَفْتُ أَنْ لَا أَصْعَ رِدَائِي عَنْ ظَهْرِي حَتَّى أَجْمَعَ مَا بَيْنَ اللَّوْحَيْنِ فَمَا وَصَعْتُ رِدَائِي حَتَّى جَمَعْتُ الْقُرْآنَ. وَفِي أَخْبَارِ أَهْلِ الْبَيْتِ ع أَنَّهُ آلَى أَنْ لَا يَصْعَ رِدَاءُهُ عَلَيَّ عَاتِقِهِ إِلَّا لِلصَّلَاةِ حَتَّى يُوَلِّفَ الْقُرْآنَ وَيَجْمَعَهُ فَأَنْقَطَعَ عَنْهُمْ مُدَّةٌ إِلَى أَنْ جَمَعَهُ ثُمَّ خَرَجَ إِلَيْهِمْ بِهِ فِي إِزَارٍ يَحْمِلُهُ وَهُمْ مُجْتَمِعُونَ فِي الْمَسْجِدِ فَأَنْكَرُوا مَصِيرَةَ بَعْدِ انْقِطَاعِ مَعَ الْبَيْتِ (الْأَلْيَةِ) فَقَالُوا الْأَمْرُ مَا جَاءَ بِهِ أَبُو الْحَسَنِ فَلَمَّا تَوَسَّطَهُمْ وَصَحَّ الْكِتَابَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَهَذَا الْكِتَابُ وَ أَنَا الْعِثْرَةُ فَقَامَ إِلَيْهِ الثَّانِي فَقَالَ لَهُ إِنْ يَكُنْ عِنْدَكَ قُرْآنٌ فَعِنْدَنَا مِثْلُهُ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِيكُمْ فَحَمَلَ ع الْكِتَابَ وَ عَادَ بِهِ بَعْدَ أَنْ أَلَزَمَهُمُ الْحُجَّةَ» (ابن شهر آشوب، ۱۴۳۳، ج ۲، ص ۴۱).

۲. وصفی که برای مصحف علی (ع) و کتاب علی (ع) ذکر شده یکی است، و آن وجود همه احکامی است که بشر تا روز قیامت به آن نیاز دارد، حتی دیه خراش. بنابراین، کتاب علی (ع) و مصحف علی (ع)، دو نام برای یک کتاب بوده است و دلیلی بر تفکیک این دو کتاب و یا وجود دو کتاب که دارای این ویژگی مهم یعنی اشتغال بر احکام فقهی حتی دیه خراش باشد، وجود ندارد.

این قرآن شده، متنی را معیار کار قرار می‌دهد که حجم این قرآن بسیار بزرگ بوده است و در گزارش‌های شیعه از جمع امام علی (ع) این نکته متفق علیه است.

۵- بررسی مؤلفه‌های موثر در تحلیل بافت موقعیتی روایات جمع قرآن ۵-۱ - مؤلفه زمان

اولین موضوع که در تعیین مفهوم اصطلاح جمع قرآن در روایات جمع باید به آن توجه داشت، مسأله زمان است. بحث از موضوع «أول من جمع القرآن» عموماً، در روایات جمع جلب توجه می‌کند. اهل سنت بر اساس روایات بر این باورند که ابوبکر اولین نفری که قرآن را جمع کرده است (سجستانی، ۲۰۰۷، ص ۳۶/ صبحی صالح، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۶/ قدوری الحمد، ۱۴۲۳، ص ۵۶). اگرچه برخی اولین جمع را به عمر بن خطاب و حتی به عثمان بن عفان نیز نسبت داده‌اند (ابن شبة، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۷) بر اساس همین روایات، گروهی نتیجه گرفته‌اند که قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم (ص) به صورت «ما بین الدفتین» جمع نشده بود و در اوراق پراکنده بوده است. از سوی دیگر، گروهی از دانشمندان شیعه نیز بر اساس روایات خود معتقد هستند که نخستین جامع قرآن امام علی (ع) بوده است (عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۵۳/ ابن شهر آشوب، ۱۴۳۳، ص ۵۰/ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۹). بعد از رحلت رسول خدا (ص) دیگران به دنبال تعیین خلیفه بودند، ولی امام علی (ع) در پی جمع قرآن بود. پس نخستین جامع قرآن امام علی (ع) بوده است. واقعیت این است که هر دو اقدام، درباره جمع قرآن در یک بازه زمانی رخ داده و اقدامی کاملاً متقابل بوده است. بنابراین، زمان این اقدام را باید سال نخستین پس از رحلت رسول اکرم (ص) یعنی سال یازدهم هجری دانست.

قرآن کریم پیش از این تاریخ و در زمان رسول خدا (ص)، طبق بسیاری از نصوص تاریخی، به صورت کلی، یا جزء جزء، بین دو جلد جمع شده بود. شواهد تاریخی متعددی درباره اثبات این موضوع از قبیل کوشش و اهتمام صحابه، حافظه عرب، مراقبت پیامبر اکرم (ص) و کاتبان وحی و ... در منابع تاریخی آمده است (رامیار، ۱۳۸۷، صص ۲۷۵-۲۱۳). لذا نمی‌توان باور کرد که جمع و تدوین قرآن که ابلاغ و حفظ آن مهم‌ترین رسالت پیامبر اکرم (ص) است، رها شده و به دوره‌های بعد واگذار شده باشد. این در حالی است که روایات جمع قرآن کریم، به روشنی حکایت از آن دارد که جمع قرآن، بعد از حیات رسول اکرم (ص) و در زمان خلافت ابوبکر، رخ داده است.^۱

۱. شایان ذکر است که یک جمع دیگر هم در حجم زیادی از روایات مطرح است که مربوط به زمان عثمان بن عفان در حدود سال‌های ۳۰ تا ۳۵ هجری است، (ابن ابی‌داود، ۲۰۰۲، ص ۶۶) ولی در این پژوهش تمرکز بر جمع قرآن پس از رحلت رسول اکرم (ص) در سال یازدهم هجری است. تبیین مفهوم جمع قرآن توسط عمر بن خطاب، می‌تواند مفهوم جمع عثمان را که براساس الگوی حفصه و با مدیریت زید بن ثابت انجام شد، مشخص کند. همچنین، جمعی که به حجاج بن یوسف ثقفی منسوب است و تعصب ویژه بر مصحف عثمانی داشت (ابن شبة، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۷).

شناسایی مختصات زمانی این جمع، می‌تواند یکی از قرائن مهم در تعیین ماهیت «جمعی» باشد که در سال نخست پس از رحلت رسول اکرم(ص) رخ داده است. آن روزها، مصادف با تعیین خلیفه و جانشین برای پیامبر اکرم(ص) است. دو نگرش کلی، در این مقطع زمانی وجود دارد:

نخست: گروه اکثریت مسلمانان که با ابوبکر به عنوان خلیفه بیعت کردند. از نظر ایشان، خلافت منصبی الهی نبود که نیاز به تعیین خلیفه از طریق وحی الهی داشته باشد و برای سخنان پیامبر اکرم(ص) مبنی بر تعیین امام علی(ع) به عنوان جانشین، حجیتی قائل نبودند و آن را نادیده انگاشتند؛

دوم: گروهی که خلافت رسول خدا(ص) را منصبی الهی می‌دانستند و بر این باور بودند که خلیفه پیامبر باید از طریق فرستاده خداوند مشخص شود و سخن پیامبر اکرم(ص) را در تعیین خلافت و وصایت و امامت امام علی(ع) حجّت و لازم‌الاتباع می‌دانستند.

بنابراین، مهم‌ترین شاخص زمانی که می‌توان در مورد آن در این مقطع صحبت کرد، اختلاف نظر جدی مسلمانان در حجّت سخن پیامبر اکرم(ص) بود که علی‌رغم توصیه‌های مکرر آن حضرت مبنی بر تعیین امام علی(ع) به عنوان خلیفه^۱، منجر به خانه‌نشینی امام و اعتراض گروهی از بنی‌هاشم و تعیین ابوبکر به عنوان خلیفه در سقیفه بنی ساعده شد (راوندی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۳۷). بنابراین، باید توجه داشت جمع قرآن در این بازه زمانی و در چنین فضایی رخ داده است و نمی‌تواند بی‌ارتباط به شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان باشد.

۵-۲- گویندگان

یکی دیگر از مؤلفه‌های بافتی در کاربردشناسی، توجه به ویژگی‌های گوینده و اهداف وی از بیان یک عبارت و تأثیر آن در بافت و تحلیل گفتمان است^۲. بر این اساس در فهم روایات جمع قرآن باید به گوینده این روایات توجه داشت.

در روایات جمع قرآن کریم، شخصیت‌های مختلفی گفتگو می‌کنند که از این میان، شخصیت‌های مهم‌تر و کلیدی‌تر مورد بررسی قرار خواهند گرفت که عبارتند از: ابوبکر، عمر بن خطاب، زید بن ثابت و امام علی(ع). در این پژوهش برای تبیین مدلول اصطلاح جمع قرآن در روایات، این اصطلاح در دو گروه از روایات مطرح‌شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. روایت ذیل به عنوان نمونه نقل می‌گردد: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أُرِيدُنِي إِلَى النَّجَاةِ فَقَالَ: «يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ وَتَفَرَّقَتِ الْأَرَءَاءُ فَعَلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ إِمَامٌ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الْفَارُوقُ الَّذِي يَمَيِّزُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ» (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۲۶).

۲. روش تحلیل گفتمان از جمله روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که می‌توان متون نوشتاری و شفاهی را با در نظر گرفتن شرایط زمانی آن مورد تحلیل و ارزیابی دقیق و منظم قرار داد. در این روش، پژوهشگر به بازشناسی و واکاوی دستاوردهای اندیشه‌ای انسان‌ها که نوعاً از جنس اسناد و مدارک نوشتاری و شفاهی است، می‌پردازد. بر این اساس، تحلیل گفتمان روشی است برای تحلیل کیفی داده‌ها، پیام‌ها و ارتباطات (عقیلی، ۱۳۸۹، صص ۱۶۹-۱۹۴).

۵-۲-۱- گروه اول: جمع نخست قرآن کریم

در جمع نخست، گوینده شاخص و طراح موضوع، عمر بن خطاب است که پیوسته به ابوبکر مراجعه کرد تا قرآن جمع گردد (نولدکه، ۲۰۰۴، ص ۲۴۳) چنانکه این جمع به عمر بن خطاب هم نسبت داده شده است (ابن ابی داود، ۲۰۰۲، ص ۶۰). اگرچه جمع به دستور ابوبکر و در زمان خلافت وی، رخ داد، ولی طبق روایات، کنشگر اصلی در این جمع، عمر بن خطاب بوده است. بنابراین، برای کاربردشناسی اصطلاح جمع قرآن و فهم فرایندی که درباره قرآن صورت گرفته، لازم است وی و دغدغه‌های ذهنی اش شناسایی شود.

عمر بن خطاب در ۱۳ عام الفیل در مکه متولد شد. وی شخصیتی تند مزاج داشت و حتی در دوران خلافتش، کمتر کسی جرأت می‌کرد که از او سؤالی بپرسد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۰۱). وی خلیفه دوم مسلمانان و نخستین کسی بود که خود را امیرالمؤمنین خواند. او کسانی را به حکومت می‌گمارد که از وی فرمان برداری نمایند (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۱ / ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، صص ۲۶۹-۲۶۷ / مقدسی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۸۸). او نخستین کسی بود که نظریه اکتفاء قرآن را با عبارت «حسبنا کتاب الله» مطرح کرد (صنعانی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۴۳۸ / احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۳۵ / بخاری، ۱۹۰۷، ج ۶، ص ۹ / مسلم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۵۷) و این عبارت، به معنای «رفض حجیت سنت نبوی» است و البته بعدها این نظریه او تبدیل به شعار خوارج شد (عبد المنعم، ۱۴۱۹، ص ۳۸).

عمر بن خطاب از بین خلفاء ثلاثه، به استفاده از رأی در استنباط فقهی شهرت داشت (ابن شبه، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۶۲ / شیبانی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۹۹ / حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳۷۷)، و هدفش افتاء فتاوایی بود که مصلحت مردم و یا حکومت، آن را اقتضا می‌کرد. در برخی از روایات ائمه شیعه (ع)، به ویژه امام علی (ع)، خلفاء ثلاثه، به‌ویژه عمر بن خطاب را به خاطر اجتهاد بر اساس رأی سرزنش کرده‌اند (سید رضی، ۱۳۸۷، صص ۱۱۹، ۱۵۲، ۱۷۸ / شرف الدین، ص ۲۴۱). اجتهاد در مقابل فرمان پیامبر (ص)، قطع حق «مؤلفه قلوبهم» از زکات، اسقاط سهم ذوی القربی، جنگ با کسانی که زکات پرداخت نکردند، تحریم تمتع در بین عمره و اعمال حج، تحریم ازدواج موقت، تجویز سه طلاق در یک مجلس، صلاة تراویح، شرط ارث کلاله، عدم وجوب نماز در صورت نبود آب از اجتهادات منسوب به اوست (شرف الدین، ۱۴۱۳، ص ۳۰۳-۱۲۵). بر اساس اسناد و شواهد تاریخی متعدد، بی‌تردید، در رویکرد عمر بن خطاب نسبت به مسائل فقهی اجتهاد رأی وجود داشته است.

برخی نصوص بر دغدغه عمر بن خطاب در مورد تجرید قرآن از هر نوع روایتی گواهی می‌دهد؛ به ویژه روایات و نصوص فقهی که سبب محدودیت امکان کاربرد رأی و قیاس در استنباط فقهی می‌گردید. به همین دلیل پیوسته به مردم و یاران خود توصیه به تجرید قرآن می‌کرد.^۱

۱. به عنوان نمونه، روایت ذیل مؤیدی بر این سخن به شمار می‌رود: «عَنْ قَرْظَةَ بْنِ كَعْبٍ، قَالَ: خَرَجْنَا نُرِيدُ الْعِرَاقَ فَمَسَى مَعَنَا عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ إِلَى صِرَارٍ فَتَوَضَّأَ، ثُمَّ قَالَ أَتَدْرُونَ لِمَ مَسَيْتُ مَعَكُمْ؟ قَالُوا: نَعَمْ، نَحْنُ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَسَيْتَ مَعَنَا، قَالَ: إِنَّكُمْ تَأْتُونَ أَهْلَ قَرْيَةٍ لَهُمْ دَوَى بِالْقُرْآنِ كَدَوَى النَّحْلِ فَلَا تَبْدَءُوهُمْ بِالْأَحَادِيثِ فَيَسْغَلُوا بِكُمْ. جَرِّدُوا الْقُرْآنَ وَأَقْلُوا الرَّوَايَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَمْضُوا وَأَنَا شَرِيكُكُمْ فَلَمَّا قَدِمَ قَرْظَةُ، قَالَ: حَدَّثَنَا، قَالَ: نَهَانَا ابْنُ الْخَطَّابِ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۹۷. در این رابطه بنگرید به: ابن عبد البر، ۱۴۱۲، ۳۹۶، ج ۱/۵۵ / صنعانی، ۱۳۹۲،

اگر بخواهیم مدلول اصطلاح جمع قرآن در روایتی را که عمر بن خطاب، دعوت‌کننده به این اقدام است، دریابیم، بایستی به شخصیت، افکار و اقدامات عملی شخصیت اصلی روایت توجه کنیم. عمر بن خطاب کسی است که نقل و نگارش روایات فقهی را ممنوع کرد و سیاست وی تا ۱۰۰ سال بعد در حکومت اموی ادامه داشت (شهرستانی، ۱۴۲۰، ص ۳۰۵؛ Alishahi & Hosseini, pp. 313-343) پس جمع قرآن از نظر وی، همان قرآنی است که از نظر او کافی است و در مقابل قرآن امام علی (ع) قرار دارد، قرآنی که خالی از هر نوع اضافه تفسیری و روایات و سنت نبوی است.

عمر سخنرانی کرد و گفت: آگاه باشید! اگر باخبر شوم کسی بگوید عمر بن خطاب نمی‌گذارد، کتاب الله را بخوانیم [این ادعا صحیح نیست، زیرا] من به این دلیل مانع شما نمی‌شوم؛ اما می‌بینم که یکی از شما برای (تلاوت) کتاب خدا برمی‌خیزد و مردم هم به او گوش فرا می‌دهند؛ سپس از نزد خود سخن می‌گوید. سخنان شما بدترین سخنان و کلام شما بدترین کلام است. هر که برخاست، فقط کتاب خدا را بخواند؛ و گرنه بنشیند. آن قدر برای مردم حدیث نقل کرده‌اید که می‌گویند: فلانی گفت، فلانی گفت و کتاب خدا رها شده است (ابن شبة، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۸۰۰).

در منابع تاریخی آمده است که وی ابوهیره و کعب را از نقل حدیث نهی کرد و آنان را در صورت نقل حدیث تهدید به تبعید کرد (همان). همچنین در روایات تاریخی نقل شده است: «مردی مصحفی می‌نوشت و تفسیر هر آیه را در کنارش یادداشت می‌کرد. عمر آن را خواست و تکه تکه کرد» (متقی هندی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۱۵). این سخن نشان از آن دارد که نوشتن مصحف اختصاص به حکومت نداشته و افراد دیگری نیز برای خود مصحف می‌نوشته‌اند. در آن زمان تفسیر قرآن امری رایج و لازم بوده است و تفسیر بسیاری از آیات توسط پیامبر (ص) در اختیار مردم قرار گرفته بود و تفسیر آیات کنار متن آیات نوشته می‌شده است (پاکتچی، ۱۳۸۹، ص ۵۸؛ عاملی، ۱۴۰۷، ص ۲۴۷).

بنابراین، در فهم اصطلاح جمع قرآن در جمع ابی‌بکر، باید به دغدغه عمر بن خطاب و فرامین وی مبنی «جردوا القرآن» توجه داشت (ابن حجر عسقلانی، ج ۹، ص ۱۲۲). سخن امام باقر (ع) به سعد الخیر تأییدی بر حذف سنت نبوی از قرآنی است که در عصر ابوبکر جمع‌آوری شد.^۱ پس از رحلت رسول اکرم (ص)، عمر بن خطاب، با مصاحفی روبرو شد که آمیخته با روایات پیامبر اکرم (ص) بوده است. ولی وی بین روایات نبی اکرم (ص) با آیات قرآن «تجانس» نمی‌دید.^۲ بنابراین، تلاش داشت آیات قرآن را که متجانس است از لابلای مصاحف آمیخته، جدا و «جمع» می‌کند.

صص ۳۲۵-۳۲۴/ مزی، ۱۴۱۳، ج ۲۳، ص ۵۶۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۸۷. حاکم این حدیث را صحیح‌السند دانسته و قرظه را صحابی معرفی می‌کند.

۱. «كَانَ مِنْ بَدِيهِمُ الْكِتَابُ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَ حَرَّفُوا حُدُودَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۵۳).

۲. در روایتی آمده است که فردی از عمر بن خطاب پرسید که جنب شده است و آب نمی‌یابد، عمر گفت: در این صورت نماز نخوان. عمار از بابت اعتراض به او گفت: آیا یادت نمی‌آید که پیامبر (ص) فرمود: تیمم کنید؟! (بخاری، ۱۹۰۷، ج ۱، ص ۸۷). ولی عمر تیمم را در حدیث اصغر می‌دانست و روایت را با آن که از شخص پیامبر اکرم (ص) شنیده بود، وحیانی و مانند قرآن لازم‌الاتباع نمی‌دانست، این موضوع در احکام دیگری نظیر حَقِّ مؤلفه فلوبهم، سه طلاق در یک مجلس، ... نیز دیده می‌شود (شهرستانی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۷).

۵-۲-۲- گروه دوم: روایات جمع امام علی (ع)

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول شیعیان (ع) است، او شهر علم است و منبع دریافت سنت نبوی، پیامبر اکرم (ص) درباره وی فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأُيُوبِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۸۷ و نک. ابن جزری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۹۷)؛ علمی که مهمترین مصداق آن در سده نخست هجری، فقه به شمار می آمد (دارمی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۵۱).

او طبق وصیت پیامبر اکرم (ص)، تنها شخصی بود که صلاحیت خلافت بعد از رسول خدا (ص) را داشت. در طول خلافت خلفای ثلاثه بارها مواردی از اختلاف نظر و منازعه در اجرای احکام الهی و حدود، بین او و خلفا رخ داد. او به تقسیم عادلانه و مساوی بیت المال در بین مسلمانان قائل بود و نظام مفاضله عمر بن خطاب را در تقسیم بیت المال صحیح نمی دانست (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۲۵). کشورگشایی مسلمانان به شیوه‌ای که در زمان خلفای ثلاثه معهود و مرسوم بود در زمان وی متوقف شد (طوقش، ۱۴۲۴، ص ۴۵۱).

از گفتار امام علی (ع) چنین دریافت می شود که قرآن موجود را همان کتابی می داند که خداوند بر پیامبرش نازل کرده و نسل به نسل در میان مسلمانان مورد استفاده بوده است، بدون این که از آن کاسته یا بر آن افزوده شده باشد (سید رضی، خطبه ۱۷۶)؛ اما با این وجود، دغدغه امام علی (ع) در مورد جمع قرآن کریم، این بود که تفسیر و تأویل، احکام فقهی و ... در آن ذکر شود (معرفت، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۲۹). چون پیامبر اکرم (ص) به شدت از تفسیر به رأی قرآن نهی کرده بود.^۱ امام علی (ع) قرآنی را که مجرد از این توضیحات باشد، عامل انحراف و خطا در فهم برداشت از قرآن می دانست و خود را مبین قرآن و به عبارتی، قرآن ناطق می دانست. آنچه او در تفسیر و تبیین احکام قرآن کریم می فرمود، از جانب خود نبود، بلکه همه متخذ از سنت نبوی و منبع وحیانی بود.^۲ امام (ع) با استفاده از رأی و قیاس در استنباط احکام عملی، مخالف بود و تنها منبع صحیح را قرآن و سنت نبوی می دانست. کتاب علی (ع) مهم ترین منبع احکام فقهی در سده دوم هجری بود و تمامی احکام مورد نیاز مردم حتی دیه خراش را در بر داشت.

بنابراین، وقتی امام علی (ع) قسم می خورد که قرآنی جمع می کند، حتماً آن قرآن با دیدگاه‌های وی سازگاری دارد و قرآنی مشروح و مبسوط است. از نظر وی و بر اساس قرآن، سنت نبوی همپایه قرآن دارای حجیت و اعتبار است و به حکم «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴)، ترک سنت نبوی جازز نیست. بنابراین، قرآنی همراه با توضیحات کامل و حجمی بزرگ که احتمالاً برای حمل آن نیاز به دشداشه عربی و شتر بوده و نمی توان آن را با دست حمل نمود، جمع کرد. در واقع، امام علی (ع)، به دلیل

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ الْمَجَادِلُونَ» (۱) فِي دِينِ اللَّهِ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَمَنْ جَادَلَ فِي آيَاتِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا يَجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُزُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ وَمَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَمَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ» (صدوق، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۵۷).

۲. عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ: «مَا ادَّعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ إِلَّا كَذَابٌ وَمَا جَمَعَهُ وَحَفِظَهُ كَمَا نَزَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا عَلَى بَنِي طَالِبٍ وَالْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِهِ» (كليني، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۸).

و حیانی بودن سنت نبوی، بین قرآن با روایات «تجانس» قائل بود. پس جمع وی، به معنای ذکر سنت نبوی و قرآن در کنار یکدیگر است. به صورت کلی در روایات اهل بیت (ع) سخنان پیامبر اکرم (ص)، همان سخن خداوند است. امام صادق (ع) در روایتی معتبر می‌فرماید: «... و حدیث رسول خدا (ص)، قول خداوند است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۳).

باید توجه داشت، این جا چه در مورد عمر بن خطاب و چه در مورد امام علی (ع)، موضوع تنها جمع قرآن با روایات یا تجرید قرآن از روایات نبود، بلکه مسأله «ترک سنت نبوی و رفض حجیت» آن بود که امام علی (ع) با این اقدام در مقابل این انحراف بنیادین ایستادگی کرد. یعنی موضوع این نبود که نباید روایات در کنار قرآن خوانده شود، یا باید خوانده شود، بلکه تهیه منبعی بود که بنا بود، منبع و مستند عملکرد مسلمانان قرار گیرد.

۵-۳- مخاطبان

منظور از مخاطبان، شرکت‌کنندگان در ارتباط با فضای صدور روایات جمع قرآن کسانی هستند که در صحنه صدور این روایات حضور داشته‌اند. مخاطب کلام، یکی از عوامل تأثیرگذار در فهم صحیح مدلول روایت و گفتمانی است که این روایات بدان جهت صادر شده است. در این روایات، مخاطبان این گفتگوها افرادی هستند که شناسایی آن‌ها در فهم مدلول اصطلاح جمع قرآن کریم تأثیر دارد. مهمترین این افراد در روایات جمع قرآن عبارتند از:

۵-۳-۱- زید بن ثابت

مهم‌ترین این افراد زید بن ثابت است. زید بن ثابت یازده ساله بود که وارد مدینه شد و در دو دوره جمع قرآن مشارکت داشت. در زمان پیامبر اکرم (ص)، کاتب وحی (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۲۴۳/ ابن جوزی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۷۰) و در سقیفه بنی ساعده، سخنگوی جوان انصاری به نفع مهاجران بوده است. موضع زید در سقیفه و سخنان او درباره خلیفه را می‌توان آغاز حضور سیاسی او دانست؛ به گونه‌ای که ابوبکر پس از رسیدن به خلافت، او را بر این جانبداری ستود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۴۳). در زمان عمر بر مسند قضاوت و فتوا تکیه داشت و هر وقت عمر یا عثمان از شهر بیرون می‌رفتند، به جای ایشان می‌نشست. عثمان پس از دست‌یافتن به مقام خلافت، قضاوت و بیت المال را به او سپرد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۳۵/ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۴۷) و در مسائلی که پیش می‌آمد، با او مشورت می‌کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۲۱). زید بن ثابت از جمله کسانی است که در دفاع از عثمان نقشی برجسته داشت و تا روز آخر عمر عثمان به او وفادار ماند و حتی از بیعت با امام علی (ع) سر باز زد. در برخی منابع به عثمانی بودن او به صراحت اشاره شده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۴۸). ولی مهم‌ترین رویداد حیات وی، نقش وی در کمیته جمع قرآن بود که پس از جنگ یمامه و کشته‌شدن تعدادی از قاریان در سال یازدهم هجری رخ داد (سیوطی، ۱۹۵۲، ج ۱، ص ۱۵۶)، رویدادی که عمر بن خطاب، آن را بهانه جمع قرآن قرار داد. زید از کسانی است که با عمر همراه شد تا حضرت علی (ع) را برای بیعت با ابوبکر از خانه‌اش بیرون آورند (بلاذری، ۱۹۵۹، ص ۵۸۵). بر همین اساس این گمان تقویت می‌شود که سبب سپردن افتخار جمع قرآن به

زید، همراهی وی با خلفا در مسیر تثبیت حکومت آنان و اعتماد فراوان خلیفه اول و دوم به او بوده است؛ زیرا اعتراضات برخی صحابه بر ریاست وی بر کمیته جمع قرآن، نشان‌گر آن است که وی نسبت به سایر صحابه امتیازی نداشته است.^۱

توجه به مخاطب برخی روایات جمع قرآن، نشان‌گر موافقت این افراد با یکدیگر است. مخاطب زید بن ثابت و ابوبکر در بسیاری از روایات همراه هم هستند. این دو کسانی هستند که در یک تیم سیاسی قرار دارند (رامیار، ۱۳۸۷، ص ۳۱۷) و با گرایش سیاسی ویژه خود، یقیناً در طیف امام علی (ع) قرار ندارند.

زید بن ثابت از صحابه‌ای است که در زمان خلفا دارای مقام قضاوت و فتوا بوده است و تنها کسانی در این مقطع زمانی اجازه فتوا داشتند که بر اساس رأی و قیاس فتوا می‌دادند. قرائت زید بن ثابت، قرائتی است که مصاحف عثمانی که خالی از هر نوع تفسیر و روایتی بود، منطبق با آن بود، ولی کاری که انجام شد و ابوبکر و زید از آن هراس داشتند، یقیناً حذف سنت نبوی بود که دارای حجیت بود و تبعیت از آن بر مسلمانان لازم و واجب بود، اما در نزد عمر بن خطاب، فاقد اعتبار بود و کتاب خدا، برای هدایت کافی بود.

نکته مهمی که نباید از آن غفلت کرد تعبیری است که از جمع قرآن از قول زید بن ثابت آمده است که نشان‌گر نوع خاصی از جمع هست و هر نوع جمعی و یا مطلق جمع قرآن مدّ نظر نیست. زید بن ثابت می‌گوید: «قَوْلَ اللَّهِ لَوْ كَلَّفَنِي نَقْلَ جَبَلٍ مِنْ الْجِبَالِ مَا كَانَ أَثْقَلَ عَلَيَّ مِمَّا أَمَرَنِي بِهِ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ»، مرادش نوع خاصی از جمع قرآن است. اگر مطلق جمع قرآن مدّ نظر بود، شاید عبارت به این شکل می‌آمد؛ فوالله لو كلفني نقل جبل من الجبال ما كان أثقل علي من جمع القرآن، ولی عبارت «مما أمرني» امر خاصی وجود داشته است که با توجه به مصحفی که بعدها به مصحف زید بن ثابت و قرائت رسمی مسلمانان شهرت یافت، مصحف مجرد از هر نوع توضیح و تفسیر بود.

۵-۳-۲- ابوبکر و عمر

گروه دوم مخاطبان روایات جمع قرآن توسط امام علی (ع) هستند که سردهسته ایشان ابوبکر، عمر بوده و در مسجد نبوی به همراه گروهی از مسلمانان حضور دارند و قرآن جمع شده توسط امام علی (ع) را نمی‌پذیرند، چون در این جمع، نصوصی وجود دارد که ایشان با اجرای آن موافق نیستند. عدم پذیرش مخاطبان در این گروه از روایات، نیز می‌تواند مدلول اصطلاح جمع قرآن را نشان دهد.

۵-۳-۳- عامه مردم

گروه سوم از مخاطبان در روایات جمع قرآن، مردمی هستند که توسط عمر بن خطاب ترغیب به آوردن مصاحفشان می‌شوند و باید برای ثبت هر آیه در قرآن، دو نفر شهادت دهند و تنها شهادت ابوخریمه انصاری به جای یک شهادت ثبت می‌شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۵).

۱ برخی در مورد برگزیده شدن و انتصابش در داستان کتابت قرآن، فزونی نیرو و تعصب کمترش و اعتماد خلفا نسبت به وی را دلیل آورده اند (هیكل، ۱۹۷۵، ص ۲۹۷). برخی پژوهشگران این حوزه نیز بر این باورند که ادعای جمع قرآن توسط زید از اساس باطل است (خوئی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۳).

برخی گمان کرده‌اند این شهادت بر آیه بودن قرآن است. در حالی که روایت عمر بن خطاب، «الشیخ و الشیخه اذا زنبا، فارجموها البتة نکالا من الله» به دلیل عدم تعدد شاهد، پذیرفته نمی‌شود.^۱ این نشانگر آن است که این شهادت در مورد قرآن نبوده، بلکه در مورد سنت نبوی بوده است. این نمایش و چاره‌ای برای جمع مصاحف بود، کاری که در دوره‌های بعد نیز توسط خود عمر بن خطاب و عثمان بن عفان، برای جمع مصاحف از دست مردم به بهانه ترتیب دادن سنت واحد از سنت نبوی و یا مصحف واحد، رخ داد و به این وسیله، مصاحف جمع‌آوری و سوزانده شد. بی‌تردید، اگر صحابه می‌دانستند چه سرنوشتی در انتظار مصاحف ایشان است از تحویل مصاحف، امتناع می‌کردند.^۲ در واقع، با این شیوه اولین گام برای حذف سنت در دوره ابوبکر و توسط عمر بن خطاب و زید بن ثابت، تحت عنوان جمع مصحف برداشته شد.

۵-۴- صحنه یا ترتیب عمل

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در بافت موقعیتی می‌تواند در تبیین مقصود مؤثر باشد، مسأله توجه به ترتیب و ساختار مرتبی است که یک پاره‌گفتار در آن صادر می‌شود. صحنه‌ای که در این روایات وجود دارد، نیز در تعیین مدلول روایات بسیار اهمیت دارد.

۵-۴-۱- صحنه اول

صحنه‌ای است که ابوبکر به شدت ناراحت است و عبايش را به دور خودش پیچیده و برای قانع کردن وی لازم است، عمر بن خطاب که بیشترین نفوذ را بر وی داشته، بارها به وی مراجعه کند و او به این سادگی نمی‌پذیرفته است. ترس از این اقدام و دو دلی ابوبکر در پذیرش این اقدام، نه به خاطر عدم موافقت با عمر، بلکه به خاطر ترس از عواقب و نتایج آن بوده و ترس صحیحی بوده است. چنانچه در سال‌های بعد عثمان بن عفان در رسمی کردن این مصحف مجرد از نصوص سنت نبوی، بیشترین هزینه را برای آن پرداخت که جان و آبروی وی بود (سجستانی، ۲۰۰۷، ص ۵۳). بنابراین، نمی‌توان مدلول چنین جمعی را جمع آیات قرآن در یک مجموعه (ما بین اللدقین) دانست؛ زیرا چنین عملی ترسناک و ناپسند نیست و پیامبر اکرم (ص) هم قبلا اقدام به چنین کاری کرده است. آن چه تا آن زمان به دلیل حجیت و جایگاه پیامبر اکرم (ص) انجام نشده بود و قطعا مخالفت‌هایی را در پی داشت، حذف سنت نبوی بود [تکرار می‌شود مسأله تنها حذف ظاهر سنت نبوی از قرآن نبود، بلکه ترک سنت نبوی به دلیل رفض حجیت آن بود که قطعا مخالفان فراوانی داشت] و تنها افرادی که می‌توانستند در این تیم حضور یابند، افرادی بودند که در این نوع استنباط فقهی و کاربرد رأی و فروکاستن از حجیت سنت نبوی با عمر بن خطاب، هم عقیده بودند و بعدها همین افراد، در دوره عثمان و تیم همسان‌سازی و رسمی کردن مصاحف حضور می‌یابند (خوئی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۳).

۱. سیوطی می‌نویسد: «ان عمر اتی بایة الرجم، فلم یکتبها، لانه کان وحده.» (سیوطی، ۱۹۵۲، ج ۱، ص ۱۵۸).

۲. چنانچه ابن مسعود به این خطر آگاهی داده بود و به صحابه دستور کتمان مصاحف را از دستگاه خلافت می‌داد (نووی، ۱۴۰۷، ج ۱۶، ص ۱۶).

۵-۴-۲- صحنه دوم

در روایت دیگر که راوی آن، امام علی (ع) است، صحنه عمل و ترتیب پاره‌گفتارها می‌تواند مدلول جمع را مشخص کند؛ آن جا که امام (ع) در مورد محتوای قرآن جمع شده توسط خود سخن می‌گوید، قرآنی که همه مسائل مورد نیاز در آن وجود دارد. یکی از نکاتی که امام علی (ع) بر آن تصریح دارد این است که این مصحف به املاء رسول خدا (ص) بوده است: «بإملاء رسول الله (ص) و خطّ علی». این تعبیر برای کتابت وحی و قرآن استفاده نمی‌شده است، بلکه این برای کتابت سنت نبوی کاربرد داشته است. این کلیدواژه‌ای است که صد سال بعد، سبب اعتماد محدثان به محتوای این کتاب و مراجعه و استنساخ از آن می‌شود.^۱

عبارتی که عمر بن خطاب در پاسخ بیان می‌کند نیز، نشان می‌دهد جمعی که امام علی (ع) انجام داده است، با جمع وی متفاوت بوده است. وقتی عمر بن خطاب می‌گوید: اگر آن چه در نزد توست، قرآن است، نزد ما نیز مانند آن وجود دارد و ما از قرآن تو بی‌نیازیم. در این جا عمر ادعا نکرد، قرآن ما مانند قرآن توست، بلکه مدعی شد: «إِنْ يَكُنْ عِنْدَكَ قُرْآنٌ فَعِنْدَنَا مِثْلُهُ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فَيَكُمَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۶۵). این عبارت به روشنی نشان می‌دهد، آن چه در نزد امام علی (ع) بوده است، افزون بر قرآن مطالبی داشته که عمر بن خطاب خود را از آن بی‌نیاز می‌دانسته است. این سخن او همانند سخنی است که در هنگام رحلت رسول اکرم (ص) به زبان آورد: «إِنَّ النَّبِيَّ لَيَهْجُرُ، حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۲۵۲؛ بخاری، ۱۹۰۷، ج ۱، ص ۲۰۶). بنابراین، توجه به عوامل بافتی یادشده و کاربردشناسی اصطلاح «جمع قرآن» در روایات نشان می‌دهد که جمع قرآن در نزد عمر بن خطاب، جمع کردن آیات از لابلای مصاحفی بوده که با روایات آمیخته بوده است و در واقع، تجرید و خالی کردن قرآن از نصوص روایی بوده است و بر عکس، جمع قرآن توسط امام علی (ع) جمع آیات قرآن با توضیحات و روایاتی است که برای فهم قرآن ضروری و لازم بوده است.

نکته‌ای که با توجه به کاربردشناسی، می‌تواند مبین تفاوت معنای مدلول جمع قرآن در دو گروه از روایات باشد، توجه به ماهیت عمل‌گرا و کارکردگرای این نظریه است. بر اساس فلسفه پراگماتیسم، که کاربردشناسی متأثر از آن به حوزه زبان-شناسی ورود یافته است، حقیقت همان چیزی است که در عمل به کار می‌آید. این فلسفه، به عمل، اصالت می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر هدف شناسایی مدلول اصطلاح «جمع قرآن» در این دو گروه از روایات است و با توجه به مؤلفه‌های گفتمان و بافت موقعیتی تلاش در فهم آن صورت می‌گیرد، بخش مهم و شاید مهم‌ترین بخش آن، عملی است که در نتیجه تعامل این مؤلفه‌ها از گوینده، مخاطب،

۱. این وصف در کتب اهل سنت بارها برای کتاب علی (ع) تکرار شده است، مانند: در کتاب علی یاقتم (عصامی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۲۱/ بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۶۹۸) و در جوامع حدیثی اهل سنت گزارش‌هایی از دیده شدن این کتاب توسط دیگران وجود دارد: «قلت: أتیقن بأنه كتاب علي؟ قال: ما أشك أنه كتاب علي» (شافعی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۶۱). این کتاب به عنوان ملاک و ابزاری برای شناخت صحت یا عدم صحت روایات فقهی به شمار می‌آمده است به گونه‌ای که امام صادق (ع) می‌فرماید: اهل کوفه در باره روایت وجوب وضو قبل از غسل جنابت دروغ می‌گویند، من چنین حکمی در کتاب علی (ع) ندیده‌ام (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۹).

زمان، صحنه عمل، پاره‌گفتار، ... در عالم خارج محقق شده است. توجه به آنچه جمع شده و به انضمام توجه به سایر مؤلفه‌های کاربردشناسی می‌تواند به صورت علمی و قطعی، مدلول این جمع را تبیین کند. قرآنی که توسط زید بن ثابت جمع-آوری شد و منبع و ملاک پروژه بعدی در زمان عثمان بن عفان و حجاج بن یوسف ثقفی، در رسمی و اجباری کردن مصاحف قرار گرفت و به مصحف عثمانی شهرت یافت، مصحفی است که تنها مشتمل بر نصّ قرآن کریم و خالی از هرگونه اضافه تفسیری و روایی بود. قرآنی که شیعه بر قرآن بودن، حقانیت و غیر محرف بودن نصّ آن ایمان داشت، اگرچه نسبت به حذف نصوص روایی از قرآن، در طول تاریخ اعتراض نیز داشته است. ولی قرآنی که توسط امام علی(ع) جمع شد، قرآنی بود که طبق نصوص روایی مشتمل بر تفسیر، تنزیل، ناسخ، منسوخ، احکام شرعی، ... بود. پس آنچه در عمل تحقق یافت، می‌تواند روشنگر مدلول جمع در روایات جمع امام علی(ع) نیز باشد.

نتیجه‌گیری

ابتدائی‌ترین، نقطه حرکت در مسیر مطالعات تاریخ قرآن، شناسایی مدلول اصطلاح «جمع قرآن» است که شاید بتوان گفت: با شناسایی دقیق آن، می‌توان مسیر صحیح آنچه را در مورد قرآن کریم در دوره‌های مختلف رخ داده است، به درستی شناسایی کرد و عدم توجه به مفهوم دقیق آن، سبب می‌گردد سیر مطالعات تاریخ قرآن از آغاز مسیر شناخت تاریخ قرآن از واقعیت دور گردد.

ریشه‌شناسی و شناخت معنای محوری واژه «جمع» نشان می‌دهد، معنایی اصلی واژه جمع، «منضمّ کردن چیزهای متجانس از طریق ملاقات، تراکم و یا روی هم‌قرار گرفتن است». بنابراین، اصطلاح «جمع قرآن»، معنای متفاوتی را برمی‌تابد که مهم‌ترین آنها با توجه به مستندات، در روایات جمع قرآن توسط عمر و امام علی(ع)، همان تجرید قرآن از نصوص روایی و تفسیر و توضیح قرآن با نصوص روایی است. توجه به مفهوم «تجانس» در معنای محوری واژه جمع، ما را به ماهیت جمع‌هایی که در مورد قرآن انجام گرفته، رهنمون می‌گردد.

روایاتی که مسأله جمع قرآن، در سال یازدهم هجری پس از رحلت رسول اکرم(ص) را به ابوبکر و امام علی(ع) نسبت می‌دهند، در لفظ و مفهوم متفاوتند، ولی در این پژوهش، تنها بر قدر مشترک روایات تمرکز می‌شود و بر روی مؤلفه‌هایی از کاربردشناسی متمرکز است که قطعیت آن در نزد قرآن‌پژوهان، مورد اتفاق است. بررسی این مؤلفه‌ها از کاربردشناسی که عبارتند از زمان، گویندگان، مخاطبان و صحنه عمل، نشان‌گر است که مدلول اصطلاح «جمع قرآن» در این دو جمع یکسان نیست و حمل آن بر یک مفهوم، مطابق اصول و روش علمی فهم متن نیست.

بررسی مؤلفه‌های کاربردشناسی، مانند شخصیت عمر بن خطاب و دغدغه‌های وی و دیدگاه او در مورد عدم حجیت سنت نبوی نشان می‌دهد، در جمعی که زمان ابوبکر، توسط زید بن ثابت و با اصرار و طراحی عمر بن خطاب رخ داد، مدلول جمع قرآن، جمع‌آوری نصوص قرآنی از مصاحفی بود که با روایات آمیخته بود و این جمع با توجه به دغدغه‌های خلیفه دوم و کاری که در نهایت آماده و تحویل جامعه اسلامی شد،

تجربید مصاحف از نصوص روایی بود. بنابراین، از نظر عمر بن خطاب، نصوص روایی و سنت نبوی، مجموعه «متجانس» با وحی نبوده است.

از سوی دیگر، جمعی که توسط امام علی (ع) و به دستور پیامبر اکرم (ص) انجام شد، فراهم آوردن قرآنی همراه با تمام احکام مورد نیاز مردم، حتی دیه خراش بود. دغدغه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) اداره جامعه اسلامی بر اساس کتاب خدا و سنت نبوی بود که ضامن سعادت مردم بود. ایشان کاربرد «رأی»، در احکام فقهی و تفسیر قرآن را عامل انحراف و نابودی دین می دانستند و اجباری شدن مصاحف خالی از نصوص روایی و ترک سنت نبوی در جامعه را بر نمی تافتند و در نهایت، کاری که توسط امام علی (ع) انجام شد، تهیه مصحفی بود که حجم بسیار بزرگی داشت، ولی به دلیل دربرداشتن سنت نبوی از جانب حاکمان وقت، مورد پذیرش واقع نشد. از نظر امام علی (ع)، سنت نبوی، مجموعه متجانس با وحی قرآنی بوده است و لازم است در کنار قرآن به عنوان منبع اطمینان آور، مرجع تصمیم گیری ها باشد، کاری که در نهایت تهیه شد، خود روشن کننده مدلول اصطلاح «جمع قرآن» است.

از مهم ترین دستاوردهای این پژوهش، آن است که جمع قرآن توسط عمر یا امام علی (ع) یا در زمان های بعد، توسط عثمان، هیچ منافاتی با جمع قرآن کریم به صورت «ما بین الدفتین» در زمان حیات رسول اکرم (ص) ندارد. چون ماهیت این جمع ها، با توجه به نگرش افراد، متفاوت بوده است و قرائن مختلفی که مبنای جمع قرآن کریم در زمان رسول اکرم (ص) است، همچنان معتبرند. همچنین پیشنهاد می شود در کتب تاریخ قرآن، به جای اصطلاح جمع قرآن از اصطلاح تدوین قرآن استفاده شود که نشانگر اقدام صورت گرفته درباره قرآن باشد.

منابع و مأخذ

-قرآن كريم

١. ابن اثير جزري، علي بن محمد؛ *الكامل في التاريخ*؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٩ق.
٢. ابن اثير جزري، علي بن محمد؛ *اسد الغابة في معرفة الصحابة*؛ بيروت: دار احياء التراث، ١٤٠٩ق.
٣. ابن بابويه، محمد بن علي بن بابويه؛ *كمال الدين*؛ تهران: اسلامية، ١٣٩٥ش.
٤. ابن جوزي، جمال الدين ابو الفرج؛ *صفة الصفوة*؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٩ق.
٥. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي؛ *الاصابة في تمييز الصحابة*؛ بيروت: دار الجيل، ١٤١٢ق.
٦. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي؛ *فتح الباري شرح صحيح البخاري*؛ بيروت: دار المعرفة، ١٣٧٩ق.
٧. ابن سعد، محمد؛ *الطبقات الكبرى*؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
٨. ابن شبة، عمر بن شبة نميري؛ *تاريخ المدينة المنورة*، قم: دارالفكر، ١٤١٠ق.
٩. ابن شهر آشوب، محمد بن علي؛ *معالم العلماء*؛ بيروت: دار المحجة البيضاء، ١٤٣٣ق.
١٠. ابن عبد البر قرطبي، يوسف بن عبد الله؛ *جامع بيان العلم وفضله*؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٨ق.
١١. ابن عبد البر قرطبي، يوسف بن عبد الله؛ *الاستيعاب في معرفة الاصحاب*؛ بيروت: دار الجيل، ١٤١٢ق.
١٢. ابو يعلى، محمد بن حسن؛ *مسند ابو يعلى*؛ دمشق: دار المأمون، ١٤٠٤ق.
١٣. ابوسليمان، صابر حسن محمد؛ *اضواء البيان في تاريخ القرآن*؛ رياض: عالم الكتاب، ٢٠٠٠م.
١٤. ابو عبيد، قاسم بن سلام؛ *فضائل القرآن*؛ دمشق: دار ابن كثير، ١٤١٥ق.
١٥. احمد بن حنبل، احمد؛ *مسند احمد بن حنبل*؛ بيروت: مؤسسه الرسالة، ١٤٢٠ق.
١٦. ازهرى، محمد بن احمد؛ *تهذيب اللغة*؛ تهران: مؤسسة الصادق (ع)، ١٣٧٩ش.
١٧. آقاگل زاده، فردوس؛ *زيان شناسی کاربردی*؛ تهران: نشر علمی، ١٣٩٤ش.
١٨. اندلسی (ابن عبد ربه)، احمد بن محمد؛ *العقد الفريد*؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٤ق.
١٩. بخاری، محمد بن اسماعيل؛ *الجامع الصحيح*؛ بيروت: دار ابن كثير، ١٩٠٧م.
٢٠. بلاذري، احمد بن يحيى؛ *أنساب الأشراف*؛ مصر: دار المعارف، ١٩٥٩م.
٢١. بيهقي، احمد بن الحسين، *السنن الكبرى*؛ بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٤ق.
٢٢. پاکتچی، احمد؛ *تاريخ تفسير قرآن كريم*؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ١٣٨٩ش.
٢٣. ترمذی، محمد بن عيسى؛ *سنن الترمذی*؛ قاهره: مكتبة الخانجي، ١٩٧٥م.
٢٤. جبل، محمد حسن؛ *المعجم الاشتقاقي الموصل لالفاظ القرآن الكريم*؛ قاهره: مكتبة الآداب، ٢٠١٠م.
٢٥. جزري، ابن اثير مبارك بن محمد؛ *النهاية في غريب الحديث والاثر*؛ بيروت: دار الفكر، ١٤٢٩ق.
٢٦. جفري، آرتور؛ *مقدمتان في علوم القرآن*؛ مصر: مكتبة الخانجي، ١٩٥٤م.
٢٧. حافظ الحنفي، علاء الدين مغلطاي؛ *اكمال تهذيب الكمال*؛ مصر: الفاروق الحديثة، ١٤٢٢ق.
٢٨. حاكم نيشابوري، محمد بن عبد الله؛ *المستدرک على الصحيحين*، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.
٢٩. خوئی، سيد ابوالقاسم؛ *بيان در علوم و مسائل کلی قرآن*؛ ترجمه: محمداصادق نجمی و هاشم هاشم-زاده هریسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٣٨٢ش.
٣٠. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن؛ *سنن الدارمی*؛ دمشق: مكتبة الاعتدال، ١٣٤٩ش.
٣١. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد؛ *تاريخ الاسلام*؛ بيروت: دارالكتب العربي، ١٤٠٧ق.
٣٢. راميار، محمود؛ *تاريخ قرآن*؛ تهران: امير كبير، ١٣٨٧ش.

۳۳. راوندی، قطب الدین؛ *منهاج البراعة*؛ قم: مکتبه النخيام، ۱۴۰۶ق.
۳۴. ریچارد، جک؛ پلت، جان؛ وبر، هایدی؛ *فرهنگ توضیحی زبانشناسی کاربردیدی*؛ ترجمه: چگنی، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۹۲ش.
۳۵. زبیدی، محمد بن محمد؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*؛ بیروت: دار الهدایة، ۱۳۸۵ش.
۳۶. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، قاهره: مطبعة عیسی البابی، بی تا.
۳۷. زرکشی، بدر الدین؛ *البرهان فی علوم القرآن*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق.
۳۸. زنجانی، ابو عبدالله؛ *تاریخ قرآن*؛ ترجمه: ابوالقاسم سحاب، تبریز: سروش، ۱۳۴۱ش.
۳۹. سجستانی، ابن ابی داود؛ *المصاحف*؛ طنطا: دار الصحابة للتراث، ۲۰۰۷م.
۴۰. سهرابی فرد، شهرزاد و خیرآبادی، رضا و علوی مقدم، بهنام؛ *فرهنگ توصیفی زبانشناسی کاربردیدی و آموزش زبان*؛ تهران: خط سفید، ۱۳۹۲ش.
۴۱. سید رضی، *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، بیروت: بی نا، ۱۳۸۷ش.
۴۲. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر؛ *تاریخ الخلفاء*؛ مصر: مطبعة السعادة، ۱۹۵۲م.
۴۳. شافعی، احمد بن ادريس؛ *الامم*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۰ق.
۴۴. شاهین، عبد الصبور؛ *تاریخ القرآن*؛ قاهره: دار الكتاب العربی، ۱۹۶۷م.
۴۵. شرف الدین، عبدالحسین؛ *النص والاجتهاد*؛ تهران: اسوه، ۱۴۱۳ق.
۴۶. شهرستانی، سید علی؛ *منع تدوین الحدیث*، قم: مرکز الابحاث العقائدیة، ۱۴۲۰ق.
۴۷. شبیانی، احمد بن عمرو، *کتاب السنة*، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۰ق.
۴۸. صانعی پور، محمدحسن؛ *مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم*؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ش.
۴۹. صبحی صالح؛ *پژوهش های درباره قرآن و وحی*؛ ترجمه: مجتهد شبستری؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۵۰. صدوق، محمد بن علی؛ *الامالی*، قم: قسم الدراسات الاسلامیة، ۱۴۰۰.
۵۱. صفار، محمد بن حسن؛ *بصائر الدرجات*؛ ترجمه: علیرضا زکی زاده رنانی، قم: وثوق، ۱۳۸۹ش.
۵۲. صفوی، کوروش؛ *معنی شناسی کاربردیدی*، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۹۳ش.
۵۳. صنعانی، عبد الرزاق؛ *المصنف*؛ بیروت: مجلس العلمی، ۱۳۹۲ش.
۵۴. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ *المعجم الکبیر*؛ موصل: مکتبه العلوم و الحكم، ۱۴۰۴ق.
۵۵. طبری، محمد بن جریر؛ *دلائل الامامة*؛ قم: الدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۵۶. طقوش، محمد سهیل؛ *تاریخ الخلفاء الراشدين*؛ بیروت: دارالنفائس، ۱۴۲۴ق.
۵۷. طوسی، محمد بن حسن؛ *الاستبصار*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.
۵۸. عاملی، جعفر مرتضی؛ *حقائق هامة حول القرآن الکریم*؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۵۹. عاملی، محسن امین؛ *اعیان الشیعة*؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۶۰. عبدالمنعم، حسن؛ *بنور فاطمة اهتدیت*؛ بیروت: دار المعروف، ۱۴۱۹ق.
۶۱. عصامی، عبدالملک؛ *سمط النجوم العوالی*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۶۲. عقیلی، سید وحید و همکاران؛ کاربرد روش تحلیل گفتمان: *دانشنامه (علوم سیاسی)*، ش ۷۸، صص ۱۶۹-۱۹۴، ۱۳۸۹ش.
۶۳. علی صغیر، محمد حسین؛ *تاریخ القرآن*؛ بیروت: دار المؤرخ العربی، ۱۴۲۰ق.

۶۴. عمر مختار، احمد؛ معجم اللغة العربية المعاصرة، بيروت: عالم الكتاب، ۲۰۰۸ م.
۶۵. فضل بن شاذان؛ *الايضاح*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
۶۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ *القاموس المحيط*؛ بيروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۵ ق.
۶۷. قاضی عیاض، عیاض بن موسی؛ *مشارق الانوار علی صحاح الآثار*؛ دمشق: دار القلم، ۱۴۳۳ ق.
۶۸. قدوری الحمد، غانم؛ *محاضرات فی علوم القرآن*؛ عمان: دار عمار، ۱۴۲۳ ق.
۶۹. قلعه جی، محمد رواس؛ *موسوعة فقه زيد بن ثابت و ابی هريرة*؛ بيروت: دار النفائس، ۱۴۱۳ ق.
۷۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *اصول الکافی*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲ ش.
۷۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، انتشارات اساطیر؛ تهران، ۱۳۸۰ ش.
۷۲. کوک، گای؛ *زبان شناسی کاربردی*؛ ترجمه: علی روحانی و محمودرضا مرادیان، تهران: رهنما، ۱۳۸۹ ش.
۷۳. متقی هندی، علاء الدین علی؛ *کنز العمال من سنن الافعال والاقوال*؛ بيروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۲۴ ق.
۷۴. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*؛ بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۷۵. مزی، جمال الدین یوسف؛ *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*؛ تحقیق: بشار عواد معروف، بيروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۷۶. مسلم، محمد بن مسلم؛ *المسند الصحيح*، بيروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۷. معرفت، محمدهادی؛ *تاریخ قرآن*؛ تهران: سمت، ۱۴۲۸ ق.
۷۸. مقدسی، محمد بن احمد؛ *احسن التقاسیم*؛ قاهره: مکتبه الدبولی، ۱۴۱۱ ق.
۷۹. میر محمدی زرنندی، ابوالفضل؛ *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*؛ قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۸۰. نولدکه، تئودور و شوالی، فریدریش؛ *تاریخ القرآن*؛ ترجمه: جورج تامر، بيروت: مؤسسه کونراد - ادناور، ۲۰۰۴ م.
۸۱. نووی، یحیی بن شرف؛ *شرح صحیح مسلم*، بيروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۸۲. هیکل، محمد حسین؛ *الصدیق ابوبکر*؛ قاهره: دار المعارف، ۱۹۷۵ م.
۸۳. یول، جورج؛ *کاربردشناسی زبان*؛ ترجمه: محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، تهران: سمت، ۱۳۸۳ ش.

84. Abolfazl Alishahi , Bibi Zehnav Hossehni, *Rereading the Motivations Behind the Prohibition of Narrating and Recording Traditions and Their Historical Implications*, London: Journal of Shi'a Islamic Studies The Islamic College, Volume X, Number 3, 2017.

85. Davidson, Benjamin, *Hebrew lexicon*, London: The University of Halle, 1885.